

برو کینگز:

سیاست های ترامپ مظهر یکجانبه گرایی بیگانه‌هراسی است

تارنمای اندیشکده «برو کینگز» نوشت: سیاست های تجاری نامتعارف رییس جمهوری آمریکا هدفی جز مقابله با چند جانبه گرایی سازمان تجارت جهانی ندارد و سیاست های دونالد ترامپ مظهر یکجانبه گرایی بیگانه‌هراسی است

در این گزارش آمده است: «دونالد ترامپ» رئیس جمهوری آمریکا در توجیه تعرفه های اعمال شده از سوی خود، به کسری های دو جانبه (یا چندجانبه) تجاری آمریکا با شرکای تجاری خود اشاره می کند و با وجود آن که تعرفه‌ها می‌توانند ساختار جریان های تجاری را تغییر دهند، اما تأثیر چندانی بر توازن حساب جاری که به واسطه ذخایر ملی و سرمایه گذاری تعیین می شود، نخواهند گذاشت.

اگر این ذخایر با کمبود سرمایه گذاری روبه‌رو شوند - چیزی که در آمریکا روی داده است - حساب جاری الزاما به کسری دچار خواهد شد.

اندیشکده برو کینگز می افزاید: ممکن است ترامپ این طور استدلال کند که اعمال تعرفه های جاری لازمه محافظت از برخی بخش های خاص در آمریکا است. اما بسیاری از کالاهایی که به آمریکا وارد می شوند، از مواد اولیه تولید خود این کشور ساخته می شوند (این امر بیشتر از هر کشوری در مورد کالاهای وارداتی از چین صدق می کند).

پس برای درک این که آیا تعرفه‌ها حقیقتا دستمزد و سود مبتنی بر ارزش افزوده در یک حوزه خاص در آمریکا را تضمین می کنند یا نه باید ارزش افزوده نهفته در کالاهای وارداتی به این کشور را نیز در نظر گرفت که در زمان حاضر مشمول تعرفه‌ها قرار دارند.

با فرض این که مشاوران ترامپ این پیچیدگی‌ها را برای وی توضیح داده‌اند، سوال این جاست که منطق واقعی ترامپ از اعمال تعرفه یا به راه انداختن جنگ تجاری با متحدان اروپایی خود چیست؟



در این گزارش آمده است: با وجود این که تمایل ترامپ برای ارتقای صنایعی که از نظر سیاسی اهمیت دارند و کاهش کسری حساب جاری آمریکا در سیاست تجاری وی نقش داشته اما روشن است که هدف اصلی او متوجه سازمان تجارت جهانی و چندجانبه گرایی آن، است.

آن طور که به نظر می آید، ترامپ بر این باور است که چندجانبه گرایی قدرت آمریکا را تحت الشعاع قرار می دهد زیرا واشنگتن هر زمانی می تواند با استفاده از نفوذ اقتصادی و ژئوپولیتیکی خود، در هر مناقشه دو جانبه ای برنده شود.

آن چه وی متوجهش نیست این است که حتی قدرتمندترین کشور در جهان نیز به قوانین جهانی بی طرفانه و سازمان های بی غرضی که بر رعایت این قوانین نظارت کند، نیاز دارد.

برو کینگز در ادامه نوشت: در هفتاد سال گذشته سیستم موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت و سازمان تجارت جهانی به توافق چندجانبه بدل شده که در راستای آن قوانین یکسانی مشمول تمامی کشورها می شود.

این بدان معنا نیست که کشورهای بزرگتر و ثروتمندتر مزیتی نسبت به کشورهای کوچک تر و فقیرتر ندارند.

کشورهایی چون آمریکا می توانند نیروها و متخصصان بیشتری را برای حمایت از خود در مذاکرات تجاری پیچیده به این سازمان بفرستند و به طور همزمان به دیپلماسی موازی متوسل شوند.

این اندیشکده می افزاید: افرادی که در گذشته انتقادات بجایی از سازمان تجارت جهانی داشتند باید دست به دست حامیان این سازمان دهند و از این موسسه در برابر - سیاست های ترامپ که مظهر یکجانبه گرایی بیگانه‌هراسانه - است، محافظت کنند.

تحلیل توماس فریدمن از وضعیت امروز آمریکا:

آمریکا در دوران ترامپ به تباهی رسید



سید محمد میرزا محمدزاده

قطع روابط تجاری برای حمایت از تولید داخل و قانون زورگویی این نظم را به هم می‌ریزد.

دوم آنکه آمریکای ترامپ از هیچ تجربه خامی برای استفاده از قدرت در مقابل دوست و دشمن به منظور دست‌یابی به برتری ژئوپولیتیک و اقتصادی ابایی ندارد. برای این آمریکا اهمیت ندارد کسی که در مقابل اوست بزرگ باشد یا کوچک و در همین حین، آماده نادیده گرفتن هر گونه حقوق بشری یا کشتار در هر کشوری است. چه آن کشور دوست شخصی ترامپ به نظر بیاید یا آنکه از لحاظ ژئوپولیتیک برای وی ناخوشایند باشد.

اماصبر کنید؛ اصلا یا ترامپ هدفی دارد؟ روابط بین الملل که رینگ بوکس نیست. آیا دروغگویی و زورگویی و گرفتن مالیات تا آخرین قطره از دوست و دشمن و فشار به چین برای عقب نشینی و دست‌زدن به هر مدل جهانی سازی، می تواند آمریکا را به بهترین تبدیل کند؟ همانطور که ترامپ هم در سخنرانی خود گفت: من رئیس جمهور آمریکا هستم نه رئیس جمهور جهان؛ این به آن معناست که: از من زمین هم مشو بیرون!

همه این‌ها بستگی دارد که ترامپ تا کجا پیش رود. آیا این رویکرد ترامپ شروع آرام‌زاویه گرفتن از دیدگاه سایر روسای جمهور آمریکا در دوران پس از جنگ‌های جهانی است، روسای جمهوری که درک کرده بودند که همه ما تمایلی به مباشرت در دموکراتیزه کردن نظم جهانی هستیم، یا اینکه خروجی خصمانه از همه آن نظرات منازعات دائمی همچون قانون جنگل،

دور و برمان نگاه کنیم، همه مردم از اینکه کلاتر خودش را به خواب زده است، نگرانند.

به‌طور مثال بر اساس گزارش‌ها از ترکیه، هفته گذشته تیم ضربتی با دو جت شخصی از عربستان سعودی به استامبول عازم شدند و گستاخانه جمال خاشقجی، روزنامه نگار میانه‌رو سعودی را ربودند یا به قتل رساندند؛ کسی که تنها برای انجام کارهای اداری به منظور ثبت ازدواج مجدد خود به کنسولگری سعودی رفته بود. اگر محمد بن سلمان شاهزاده سعودی درصدی فکر می کرد که ترامپ در مورد این موضوع اهمیت می‌دهد، به خودش جرأت چنین کاری را نمی‌داد و حالا هم ترامپ اهمیتی نمی‌دهد. اما دنیا اهمیت می‌دهد و لکه بر سلطنت محمد بن سلمان باقی می‌ماند.

در آن سوی دنیا، ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه پس از مسموم کردن و به قتل رساندن جاسوس سابقش که در بریتانیا زندگی می کرد، از تک و تا نیوفتاده است و حتی بعد از آن خبرنگار محقق روس به‌طور اتفاقی از پنجره خود را بیرون پرت می‌کند. حالا هم چین، شهر وند چینی خود، منگ هونگ‌وی، رئیس سازمان پلیس جهانی، اینترنت را، زمانی که برای سرزدن به خانواده‌اش به چین رفته بود، دستگیری می‌کند و وی حالا به دلیل فساد در چین مورد بازخواست است.

از آن طرف در صوفیا، پایتخت بلغارستان شاهد اعتراضات به دلیل بازداشت دو گزارشگر بلغارستانی و رومانیایی هستیم. کسانی که بر اساس گزارش سایت بالکان اینسایت، به

آمریکای ترامپ از هیچ تجربه خامی برای استفاده از قدرت در مقابل دوست و دشمن به منظور دست‌یابی به برتری ژئوپولیتیک و اقتصادی ابایی ندارد. برای این آمریکا اهمیت ندارد کسی که در مقابل اوست بزرگ باشد یا کوچک و در همین حین، آماده نادیده گرفتن هر گونه حقوق بشری یا کشتار در هر کشوری است

دلیل تلاش برای فیلیمبرداری از سوژه تحقیق سوزان اسناد سواستفاده از منابع مالی اتحادیه اروپا، دستگیر شده بودند.

بگذارید از دو خبرنگار رویترز محکوم به هفت سال زندان چیزی نگویم. دو نفری که به گزارش رویترز برای تحقیقات در مورد کشتار روستاییان اقلیت مسلمان روهینگیا از سوی نیروهای امنیتی و شهر وندان، به میانمار سفر کرده بودند. در مصر و ترکیه هم فعالانی که در دادگاه عفو گرفته‌اند، دامن‌ناپدید می‌شوند.

آمریکا همیشه نمی‌تواند دنیا را جای بهتری کند، اما ما می‌توانیم. با چیزهایی که می‌گوییم و رهبران خارجی را بر آن می‌داریم که دست از روی سپاهشان بردارند؛ امانمی‌کنیم. پس باید بگوییم که: نه! ترامپ هیچ هدفی ندارد. در اسرت کاگان، در کتاب نافذ و زیبای جدید خود در مورد نقش جدید آمریکا در جهان این موضوع را روشن کرد و نوشت: جنگل

دوباره رشد می‌کند. آنطور که کاگان در مصاحبه خود تشریح کرد، تئوری اصلی وی در کتابش این است که اگر به مقطع وسیعی از تاریخ بشر بنگریم، دموکراسی نایاب‌ترین شکل حکومت‌ها بوده است. چرا که بیشتر قدرت‌های بزرگ دنیا دائما در حال منازعه بودند و بیشتر مردم دائما فقیر بودند. اما در ۷۰۰ واندی سال گذشته ما به صورت جهانی در بهترین شرایط رفاهی تاکنون زیسته‌ایم و شاهد گسترش دموکراسی و پایدارترین دوره صلح قدرت‌های بزرگ در تاریخ بشر بوده‌ایم.

به عقیده کاگان، ستون‌های این نظم جهان لیبرال در نتیجه تحول آلمان و ژاپن و تغییر از نظام‌های دیکتاتوری تهاجمی به دموکراسی‌های صلح‌طلب و بنیان رژیم تجارت جهانی و همچنین حمایت از همه کشورها با استانداردهای آمریکایی ساز و قوانین تجاری و ژئوپولیتیک پشتیبانی شده با نیروی دریایی، هوایی و ارتش آمریکابه وجود آمده است.

البته این نظم و حمایت و صلح، سخاوتمندانه از سوی آمریکا به جهان اعطا نشده است. مثلا اینکه سیاسيون بعد از جنگ جهانی دوم بگویند: خب چطور جهان را جای بهتری بکنیم؟ بلکه در واقع آنها با خودشان گفته‌اند که چطور جلوی پس‌رفت و رفتن به دورانی همچون جنگ جهانی دوم که از روی شانس از آن نجات پیدا کرده‌ایم را بگیریم؟ این خدمت آمریکادر واقع از روی خیرخواهی نبوده است، بلکه تنها یک حساب و کتاب ساده برای منافع خودی بوده است. آنها می‌دانند که ایجاد چنین نظمی پاداشی ۱۰۰ برابری برای بزرگ‌ترین اقتصاد دنیا خواهد داشت.

به عبارت دیگر به عقیده کاگان، این نظم جهان لیبرال، حاصل تحول بشر نبوده است. آنگونه که بشر یاد بگیرد که صلح‌طلب باشد و پادیرگران سرعناد نداشته باشد. این جهان رشد کرده چرا که قدرتمندترین ملت سیاره یعنی ایالات متحده آمریکا، تولد قوانین روشننگری بود و بعد از آنکه ۲ بار در قرن بیستم به جنگ جهانی کشیده شد، تصمیم گرفت از قدرت خود برای انتشار و حفظ آن قوانین نه همیشه و هر جا بلکه در بسیاری مکان‌ها و زمان‌ها استفاده کند.

البته وقتی از قدرت صحبت می‌کنیم منظور صرفا قدرت نظامی نیست، بلکه برخی مواقع قدرت اقناع نیز به شمار می‌رود. وقتی که عالی‌ترین بدنه آب و هوای سازمان ملل متحد گزارشی منتشر می‌کند

به عقیده کاگان، این نظم جهان لیبرال، حاصل تحول بشر نبوده است. آنگونه که بشر یاد بگیرد صلح طلب باشد و پادیرگران سرعناد نداشته باشد. این جهان رشد کرده چرا که قدرتمندترین ملت سیاره یعنی ایالات متحده آمریکا و بعد از آنکه ۲ بار در قرن بیستم به جنگ جهانی کشیده شد، تصمیم گرفت از قدرت خود برای انتشار و حفظ قوانین نه همیشه و هر جا بلکه در بسیاری مکان‌ها و زمان‌ها استفاده کند

(همچون گزارشی که اخیرا منتشر کرد) و در آن می‌گوید آب و هوای ما، سطح اقیانوس‌های ما، کشاورزی ما و اکوسیستم ما با سرعتی بیشتر از تصور بشر در حال تخریب است مگر آنکه گام‌های عظیمی برای تحدید تغییرات اقلیمی برداریم و رئیس جمهور آمریکا بی‌اهمیت از کنار آن می‌گذرد، مادر وظایف خود برای ثبات در نظم جهان لیبرال شکست خورده‌ایم و به سمت بی‌نظمی در حرکت کنیم.

کاگان می‌گوید: هر باغبانی می‌داند که نیروی طبیعت همیشه تلاش می‌کند با علف‌های هرز باغش را ببوساند و همیشه تنازع برای احیای جنگل در جهان باقی است. همین امر در مورد وضعیت ژئوپلیتیک هم صدق می‌کند. ما همیشه به سمت قبیله‌گرایی و دیکتاتورگرایی و منازعات قدرت‌های بزرگ تمایل داریم. در واقع جنگل ما همیشه می‌خواهد بازگردد و منافع آمریکا که با قدرت آمریکا حمایت می‌شوند، همیشه جلوی این بازگشت را گرفته‌اند. پس زمانی که ترامپ می‌گوید ما حالا می‌خواهیم فقط نگران خودمان باشیم، او بی‌اعتنایی خود را به تاریخ و اقتصاد نشان می‌دهد. به عقیده کاگان، ترامپ به دنبال فانتزی آمریکای کبیر است. البته فانتزی او این نیست که ما از همه دنیا جدا باشیم و کبیر شویم، بلکه وی می‌گوید که آمریکایی مسئولیت باشد و قدرتمند شود.

جهان با آمریکای کم مسئولیت بیشتر از جهان با آمریکای بیش مسئولیت مورد تهدید است. کاگان در نهایت نتیجه می‌گیرد که فصل پایکوبی ارادل و آوایش جهان فرا رسیده است و حالا هر روز نشانه‌هایش بیشتر آشکار می‌شود.



کامل کره شمالی و نه کمتر از آن، بر این کشور فشار وارد می‌کند. به هر صورت آنچه دولت کره جنوبی و مون جائه این رییس جمهوری این کشور می‌خواهند این است که دوران متار که جنگ به طور رسمی تا پایان سال جاری میلادی خاتمه یابد و آنچه آمریکا می‌گوید اینکه وقتی کره شمالی خلع سلاح هسته‌ای نشده است نباید دست به چنین کاری زد.

شمالی و همچنین جزئیات دومین نشست سران آمریکا با کره شمالی با مقامات این کشور مذاکره کند. در جریان نشست اخیر میان سران دو کره، کره شمالی گفت آمده است تا در صورت اتخاذ اقدامات متقابل از جانب آمریکا، فعالیت تأسیسات هسته‌ای خود در نیونگ بیون را متوقف کند. واشنگتن از این اقدام استقبال کرد، اما در عین حال برای غیرهسته‌ای سازی

خاتمه جنگ کره، پایان حضور نظامی آمریکا در شبه جزیره

دوران متار که جنگ باید رسما پایان یابد، به این معناست که پیونگ یانگ به دنبال اختلاف افکنی میان کره جنوبی و آمریکا است. سرهنگ کانادایی بر این باور است که کره شمالی استاد جدا کردن و اختلاف انداختن میان متحدان است و می‌داند که اگر کشورها صلح دایمی در شبه جزیره کره می‌خواهند پس باید به متار که جنگ و دوران شبه جنگی این منطقه پایان دهند و برای امضای رژیم دایمی صلح آماده باشند. با این حساب وقتی رسما و به شکل قانونی این دوره پایان یافت، به همین طریق حقوقی هم می‌توان تعریف جدیدی از شرایط کرد مبنی بر اینکه دیگر نیازی به حضور ۲۸ هزار و ۵۰۰ نظامی آمریکایی در کره جنوبی نیست. حال باید دید سفر مایک پمپئو وزیر امور خارجه آمریکا به کره شمالی در این زمینه چه دستاوردی خواهد داشت، او قرار است امروز در مورد خلع سلاح هسته‌ای کره

جنوبی می‌داند. وان پر سرهنگ کانادایی می‌گوید که اگر پایان رسمی دوران متار که جنگ کره اعلام شود آن زمان پر واضح است که مساله حضور نظامی آمریکا ضرورت آن در شبه جزیره کره مورد سوال قرار می‌گیرد. این کارشناس مسائل نظامی بر این باور است که اعلام این برنامه یعنی دو کره و شبه جزیره به سمت صلح دایمی می‌روند و همزمان شکافی جدی میان آمریکا و کره جنوبی شکل خواهد گرفت، مقام کانادایی که معاونت فرماندهی سازمان ملل در منطقه شبه جزیره کره را برعهده دارد، می‌گوید که حالا باید آمریکا و کره شمالی بر سر این موضوع وارد گفت و گو شوند. موسسه کارنیه در واشنگتن هم اعلام کرده است که تاکید کره شمالی بر اینکه

موضوع اعلام رسمی پایان جنگ کره (۱۹۵۰ تا ۱۹۵۳ میلادی) اکنون به یکی از اصلی‌ترین اختلافات آمریکا، کره جنوبی و حتی کره شمالی تبدیل شده است. سنئول و پیونگ یانگ خواهان اعلام پایان جنگ هستند اما واشنگتن در این مسیر سنگ اندازی می‌کند. کره شمالی خواستار آن است که هر چه سریعتر کره جنوبی در این باره تصمیم بگیرد اما آمریکا تاکنون مانع آن شده است که چنین اقدامی تحقق یابد. مون جابه این رییس جمهوری کره جنوبی که در ماه گذشته میلادی با کیم جونگ اون رهبر کره شمالی در پیونگ یانگ دیدار و گفت و گو کرد، شخصا اعلام کرده که مشتاق پایان رسمی دوران متار که جنگ است. اما در واشنگتن رهبران آمریکا بر این باورند که چنین اقدامی تا قبل از غیر اتمی شدن کره شمالی نباید صورت گیرد و آن را